

**گفت‌وگوی مکتوب دیگری از دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی و مدیرمسئول روزنامه «شرق»**

# گیی در آستانه بهار

**اسدالله بادامچیان:**

## چرا عملکرد اصلاح‌طلبان منفی جلوه کرده است



جناب آقای رحمانیان

مدیرمسئول محترم روزنامه شرق

با سلام و احترام

نامه شما را در پاسخ به پاسخ بنده به نامه قبلی شما به تاریخ ۱۳/۱/۱۳۸۸ خواندم. از اینکه نامه من شما را این‌طور ناراحت و عصبانی کرده است، متأسف شدم.

من از نامه‌های شما ناراحت نمی‌شوم حتی از این نامه که انواع و اقسام… را مطرح کرده‌اید. زیرا شما نظر خود را می‌نویسید و من هم نظر خود را و اگر

به آزادی عقیده و بیان معتقد باشیم، باید نظرات دیگران که مغایر یا متضاد با نظرات ما هست را نیز به آرامی و تحمل نظرات مخالف و مغایر بشنویم و بخوانیم.

سوالاتی پرسیده‌اید؛ نظرم را می‌نویسم، ممکن است شما این نظر را قبول نداشته باشید، اختیار با خودتان است. مستدل با مدرک و اقعان‌کننده این نظر را نقد کنید یا رد کنید، متشکر خواهم شد.

۱-دریاره فتنه ۱۴۰۱ که شما آن را اعتراضات می‌نامید، حساب فتنه از اعتراضات جداست، همچنان که شما اغتشاشات را از اعتراضات جدا می‌دانید و همین‌طور هم هست. در این حوادث که در پاییز امسال اتفاق افتاد و در آغاز بعضی تصور کردند که این حرکت برای اعتراض به مواردی از گرانی‌ها و تورم و انتظارات برآورده‌نشده است ولی با رویدادهای رخ‌داده مانند حمله به حرم احمد بن موسی، به امامزاده‌ها، بانک‌ها و فروشگاه‌ها و به نیروهای انتظامی، مأمور انتظامات و امنیت و چاقووزدن بی‌رحمانه به آنها و آتش‌زدن اموال عمومی معلوم شد که مسئله اعتراض نیست. موضوع اقداماتی است که آن را می‌توان براندازی دانست و تلقی اعتراض‌بودن به پایان رسید اما نشریه شرق در برخی دیگر هنوز هم موضوع به این شفافگی را منکرند. بدیهیاتی، که نیاز به ارائه مدرک ندارند در فتنه مذکور حمایت‌یابدن و مکرومن و بیانیه وزارت خارجه انگلیس و حمایت صهیونیست‌ها و رسانه‌های بی‌بی‌سی و صدای آمریکا و ایترنیشنال و حمایت همه گروهک‌های کومله و سلطنت‌طلبان و منافقین و ضدانقلاب و بقیه… آن‌قدر آشکار بود که خواهج شیرازی در آرمگاه خود فهمید. حالا شما مستدل بفرمایید که این فتنه نبود. استکیار در آن نقشی نداشت. کاملاً ملی!! و صادرصد انقلابی بود. بلکه خوانندگان شما بنپذیرند که فتنه با اعتراضی که بنزین به آتش اغتشاش و فتنه می‌زند، تفاوت دارد. و الا دلایل برای ملت و خوانندگان نظرات ما آشکار است.

در بند (ب) نوشته‌اید که من گفت‌وگو را به پایان رسانده‌ام. شما دوباره آغاز فرمایید. من خود با این نظر شما موافق نیستم و علاقه دارم گفت‌وگو ادامه یابد تا به حقیقت برسیم. در بند (ج) نوشته‌اید: قضاوت با خوانندگان هر گفت‌وگو است این‌هم که محل اختلاف نیست و هر طرف گفت‌وگو که قضاوت نمی‌کند، نظراتش را مطرح می‌نماید. همان‌طوری که شما و بنده نظراتی که خودمان قبول داریم را مطرح کرده‌ایم.

در بند (د): معلوم است در فتنه ۱۴۰۱ عده‌ای عامل بودند، عده‌ای مجری و عده‌ای حامی و عده‌ای هم تماشاگر حوادث بودند. از این‌افراد برخی فریب‌خورده بودند که بعد متوجه شده‌اند و بعضی هم راهشان را جدا کرده‌اند. آیا شما اعتقاد دارید که در وقایع اخیر، فریب‌خورده و خودفروخته و عوامل استکیار و… وجود نداشته است؟ و هر کسی در این فتنه بوده، پاک و منزه از این عناوین بوده است؟

شما عوامل آشوب و اغتشاش و آدم‌کشی و راهبندان و شعارنویس را چه می‌نامید؟ البته اگر کسی در این فتنه نباشد و این عناوین به او نسبت داده شود،

آن‌گاه «انگ» می‌شود. من هم عناصر وارد در فتنه را گفته‌ام که یکی از اینها هستند، اگر شما غیر از این نظر دارید بفرمایید آنها را چه بنامیم؟

در بند دوم: اگر کسانیی فریب‌خورده و خودفروخته باشند و نام آنها به این عناوین برده شده باشد، می‌توانند از خود دفاع کنند و طلب مدرک کنند اما کسی که رفته با مکرومن دیدار کرده که نیازی به دفاع ندارد. چون مسئله

- جدول ۴۴۶۲ طرح: بیژن گورانی**

شده- خورشید ۹- چند وکیل- جانور خیالی ترسناک- چیز

۱۰- جویبان- زندانیان جنگی- رمزها ۱۱- ادوات- بیماری کم‌خونی- انتقادکننده ۱۲- دشام‌دادن- گیاهی برای درمان سرفه و گلودرد- در قدیم می‌سوزاندند تا محیط خوشبو

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

شود ۱۳- پارچه مشک- غذای مشهور کرمان- مهرهای

در شش‌طرنج ۱۴- کشوری کوچک در قاره آمریکای مرکزی- پیمان‌نامه ۱۵- تخریب‌کننده اموال عمومی- گوشت

خردشده و تفت داده‌شده- گوشه‌ای در دستگاه همایون

گفت‌وگوی دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی با مدیر مسئول روزنامه «شرق» مسیر قابل توجهی را در سال گذشته طی کرد و این تعامل جایگاه ویژه‌ای در روزنامه «شرق» داشت. امروز و در آستانه بهار ۱۴۰۲ آخرین بخش از گفت‌وگوی مکتوب اسدالله بادامچیان و مهدی رحمانیان منتشر می‌شود. ضمن تبریک سال نو به همه مخاطبان عزیز و همچنین تبریک به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان، در واپسین روزهای زمستان جاری اعلام می‌کنیم که روزنامه «شرق» برای سال آینده با آغوش باز میزبان گفت‌وگو میان طیف‌های مختلف اجتماعی و سیاسی ایران خواهد بود که برای فردای بهتر توسعه‌کشور تلاش می‌کنند. گفت‌وگو رمز توسعه و زمینه‌ساز بیروزی‌های ملی خواهد بود. از همین منظر روزنامه «شرق» نیز جایگاهی خاص برای گفت‌وگوی مدیرمسئول این روزنامه و دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی قائل بود تا زمینه‌ساز تعاملی عمومی‌تر شود. امید که سال پیش‌رو خالی از سختی‌ها و دشواری‌ها باشد و مردم ایران بیش از هر زمان دیگری بتوانند حلاوت گفت‌وگو و زیستی مملو از تعامل ملی را تجربه کنند.

**مهدی رحمانیان:**

## لطفا براساس آمار و اسناد رسمی قضاوت کنیم



جناب آقای اسدالله بادامچیان

دبیر کل محترم حزب مؤتلفه اسلامی

با سلام و آرزوی سلامتی و سعادت برای شما، قبل از هر چیز فرارسیدن نوروز باستانی همراه با ماه مبارک رمضان، ماه میهمانی پروردگار را به جناب‌عالی تبریک عرض می‌کنم. همچنین مراتب قدردانی خود را به خاطر نامه‌ای که مرقوم فرموده‌اید و در آن انتشار ویژه‌نامه داستان باستان را مورد عنایت قرار داده‌اید اعلام می‌کنم. امید که هنر و اندیشه‌نهفته در بطن سرزمین مادری همواره بتواند موجب گسترش با هم بودن‌ها و با هم ماندن‌ها باشد؛ اما درمورد آخرین نامه جناب‌عالی به عرض می‌رسانم که

قصد داشتم مورد به مورد پاسخ آنچه را نگاهشاید. خدمتان تقدیم‌کنم؛ ولی از آنجا که هم در نامه‌های قبلی و هم آخرین مکتوب جناب‌عالی تأکیدات مؤکد دارید که دولت اصلاحات را ناکارآمد جلوه دهید و از این ناکارآمدی هم سهمی را به ما دهید. لازم دانستم گوشه‌ای از کارآمدی دولت غیرمحبوب جناب‌عالی را منعکس کنم و شما هم آنچه دارید عرضه کنید تا شاهدان و خوانندگان داوری کنند که در این چهار دهه که گذشت، مردم از سوی مدعیان، چه نصیب بردند.

اسا جناب بادامچیان عزیز، ابتدا این را بگویم که به گمان من، وظیفه قطعی و حتمی هر دولتی، تلاش برای بهبود زندگی انسان‌هایی است که بر آنها حکومت می‌کند، هرچند برخی بر این عقیده‌اند که دولت‌ها باید برای سعادت اخروی مردم هم بکوشند و حتی تلاش برای سعادت اخروی آنها، بر سعادت دنیوی‌شان اولویت دارد؛ ولی از آنجا که دست بشر از آخرت کوتاه است و نمی‌توان فهمید که آیا تلاش‌های امروز حاکمان، چه تأثیری بر آخرت مردم دارد و مهتر آنکه این خداوند است که داور نهایی است. و اوست که می‌داند سهم هرکس از بهشت و جهنم چیست و ما را به ذات بار نیاید. دسترسی نیست که بدانیم این داوری چیست و چگونه است، پس به‌هیچ‌وجه نمی‌توان فهمید که آنچه امروز حاکمان برای بردن مردم به بهشت انجام می‌دهند، در آخرت چه نتیجه‌ای خواهد شد؛ بنابراین هر ادعایی درمورد آینده را تا وقتی ذات اقدس پروردگار، خود نخواهد و نکوید، نخواهیم دانست و گمان نمی‌کنم احدی از نوع بشر بداند که داوری نهایی چه خواهد بود. پس فقط می‌ماند داوری درمورد آنچه حاکمان در همین دنیا و برای بهبود زندگی دنیای مردم انجام می‌دهند که برای این داوری، هم منابع مستند و دقیق موجود است و هم آمار قابل اتکا که نمونه آن برای کشور خودمان، اسنادی است که پیوسته و مدام، از سوی مرکز آمار و بانک مرکزی منتشر می‌شود و قطعاً برای باورمندان به دولت جمهوری اسلامی، اسنادی که در همین حاکمیت منتشر می‌شود، مورد قبول و قابل اتکا است. در این ۲۴ سال، دولت‌های مختلفی مصدر کار بوده و هریک به صفتی متصف بوده‌اند که چه من و چه شما به یکی نزدیک و راه و روش آن را به صلاح مردم می‌دانیم. برای یکی مانند من و همگنان من دولت مطلوب این چهار دهه، دولت اصلاحات است که از پایان کار آن، ۱۷ سال است که می‌گذرد و ما را عقیده آن است که بنا به اسناد موجود، موفق‌ترین و کارآمدترین دولت پس از انقلاب، همین دولت اصلاحات بوده که با اتکا به اسناد و آمار، در این نامه به آن خواهم پرداخت و امید دارم که شما هم به دور از سخنان کلی و با استناد به اسناد معتبر بفرمایید که کدام‌یک از دولت‌های پس از انقلاب را برای ایرانیان مفیدتر می‌دانید تا شاید به این طریق بشود از گفت‌وگو، به نتیجه‌ای روشن رسید. قصد طولانی‌کردن نامه را ندارم و از آنجا که می‌دانم شما هم امکان دسترسی به اسناد منتشره از سوی سازمان آمار و بانک مرکزی را دارید، به چند نکته گزیده بسنده می‌کنم و خوشحال می‌شوم که اگر این آمار منتشره را قبول ندارید، مستنداً دلایل رد آن را بفرمایید. بهبود شرایط زندگی مردم به چند عامل بستگی دارد که فهم آن چندان پیچیده نیست و سعی می‌کنم مورد به مورد و به جهت جلوگیری از مطول‌شدن نامه در کوتاه‌ترین جملات ممکن، به سه موضوع اصلی بپردازم.

اول) اشتغال. همه انسان‌ها برای گذران زندگی خود به شغل نیازمندند تا با دسترنج آن بتوانند نیازهای خود و خانواده‌شان را برآورده کنند. برای همین بزرگ‌ترین وظیفه هر دولتی، ایجاد مشاغل جدید است تا افرادی که به سن اشتغال می‌رسند، بتوانند وارد بازار کار شوند و با دستمزد خود، زندگی‌شان را اداره کنند. خانواده تشکیل دهند و انسان مفیدی، هم برای نزدیکان و هم جامعه شوند. طبق آمار موجود، دولت اصلاحات، در مدت هشت سال زمامداری کشور توانست حدود پنج میلیون شغل جدید ایجاد کند؛ آماري که نه قبل از آن موجود است و بعد از آن دیگر تکرار نشد و حتی در دوره دولت مهرورزی که پس از دولت اصلاحات، در مصدر کار قرار گرفت و شما از دبلیگستان آن بودید، این آمار به کمترین حد رسید؛ آن‌هم با درآمد افسانه‌ای حاصل از فروش نفت. به عبارتی، حدود ۸۲ میلیارد دلار حاصل از درآمد نفتی آن دوره و ذخیره

ارزی به‌جامانده از دوره اصلاحات، در هشت سال دولت مهرورزی که بصیرانه از آن حمایت کردید، به‌طور میانگین فقط سالی ۱۴ هزار شغل ایجاد شده است.

دوم) رشد اقتصادی. یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای بهبود شرایط زندگی مردم، رشد اقتصادی است. معمول چنین است که رشد اقتصادی در هر دولتی را از سال دوم استقرار، مربوط به آن دولت می‌دانند؛ چراکه رشد اقتصادی سال اول هر دولت، ناشی از برنامه‌های دولت پیشین است. براساس این دولت اصلاحات در اولین سال استقرار، رشد اقتصادی کمتر از سه درصد را تجربه کرد که میراث برنامه‌های دولت پیشین بود؛ اما در روندی پیوسته توانست این رشد را در چهار سال دوم خود به شش تا هشت درصد برساند که بالاترین رشد پیوسته در کشور در این چهار دهه است و با احتساب اینکه رشد اقتصادی اولین سال دولت بعدی هم رهون تلاش‌ها و برنامه‌های دولت پیشین است (همان‌طوره که برای دولت اصلاحات هم همین بود و اشاره بر شد)، رشد اقتصادی نزدیک هفت درصدی دولت مهرورزی در اولین سال استقرار، حاصل برنامه‌های دولت اصلاحات بود؛ اما نتیجه این دولت مهرورز، که هوادارانش آن را معجزه هزاره سوم می‌دانند، رسیدن رشد اقتصادی کشور به بیش از منفی پنج درصد در پایان کار بود.

سوم) تورم. شاید بزرگ‌ترین بیماری اقتصادی کشور، تورم است که زندگی را برای مردم به جهنم تبدیل کرده است. وعده بهشت نسبیّه به کنار، باید دید مردم با جهنم نقد چه باید بکنند؟ هدف یادآوری وعده‌های انتخاباتی دوستان‌تان برای نصف‌کردن تورم و یکرقمی‌کردن آن نیستت که امروز همه فراموش کردند و نمی‌خواهم یادآور شوم قرار بود در همین دنیا، چه بهشتی برای مردم بسازند؛ ولی دولت اصلاحات بدون آنکه وعده کاهش تورم به مردم بدهد، از مردم رای گرفت و همان دولتی بود که توانستت تورم ۵۰درصدی باقی‌مانده از دولت پیشین را تا مرز تک‌رقمی کاهش دهد و نه‌تنها چنین کرد؛ بلکه با افزایش منطقی دستمزد‌ها، امکان پس‌انداز را برای مردم فراهم کرد و مگر وظیفه دولت‌ها در همه جهان غیر از همین بهبود شاخص زندگی مردم است؟

جناب دبیر کل، بسیاری می‌شود ادعا کرد، می‌توان شکست‌ها را بر کردن دیگران و پیشینیان انداخت. می‌توان خود را بهترین دانست و غیرخود را به انواع اتهامات آلود؛ ولی واقعیت را تنها می‌توان در آینه آمار دید. واقعیت مانده وعده بهشت برخی برای مردم نیست که گویی به غیب دسترسی دارند و می‌دانند که در آخرت خداوند چه قضاوتی خواهد کرد. نه جناب بادامچیان گرامی، واقعیت جهان، همین است که در آمار می‌بینیم، همین که دولت یکدست انقلابی، در پایان سال دوم خود، که سال واقعی استقرار یک دولت است، برای مردم تورم بیش از ۵۰ درصد را تدارک دیده و در اقلام خوراکي این تورم را به بالای ۷۰ درصد رسانده است.

جناب بادامچیان عزیز، سخن را کوتاه کنم، من به دولت اصلاحات و دستاوردهای واقعی‌اش برای زندگی واقعی و در همین جهان افتخار می‌کنم. شما به چه چیزی افتخار می‌کنید؟ افتخار اصلاح‌طلبان تنها در برجاگذشتن دورانی درخشان و بی‌بدیل در رشد اقتصادی بالا، تورم و بی‌کاری پایین، بالاترین ثبات اقتصاد کلان، پایین‌ترین نوسانات نرخ ارز نیست. گزارش‌های رسمی حاکی از بالاترین سطح هم‌زیستی با همسایگان (حتی در اوج بحران طالبان در شرق) و پایین‌ترین تنش در مناسبات بین‌المللی، بالاترین سطح از اعتبار و احترام جهانیان در روابط دیپلماتیک و از همه مهتر بالاترین سطح اعتماد و مشارکت اجتماعی و به تعبیر دیگر سرمایه اجتماعی بی‌سابقه در پنج دهه گذشته را رقم زدند.

خاتمی وقتی می‌رفت، رتبه ایران در شاخص ادراک فساد ۷۷ و نمره ایران در مبارزه با فساد ۵۰ (از ۱۰۰) بود؛ اما در دوران هشت‌ساله دولت اصولگرای احمدی‌نژاد یعنی دولت محبوب شما ایران یک سقوط آزاد (نه تنزل) را در رتبه فساد تجربه کرد. در پایان دولت هشت‌ساله احمدی‌نژاد ایران به رتبه ۱۴۴ فساد در دنیا سقوط کرد و نمره کشورمان در مهار فساد به ۲۵ کاهش یافت تا ایران در همان دوره که دولتی با شعار مبارزه با فساد و تبعیض و با حمایت همه‌جانبه حزب متبوعتان روی کار آمد، به یکی از فاسدترین کشورهای دنیا با بالاترین سطح تنش در روابط دیپلماتیک و با پایین‌ترین سطح سرمایه اجتماعی تبدیل شود. رتبه ایران در شاخص محیط عمومی کسب‌وکار در هشت سال دولت اصولگرایان از ۸۸ به ۱۵۲ سقوط کرد. درآمد ارزی ۸۲۰ میلیارد دلاری دوران احمدی‌نژاد که معادل درآمدی چندین دهه پیش از آن بود، به جای آنکه به توسعه و ارتقای زیرساخت‌های سخت و نرم و سرمایه‌گذاری‌های مولد تبدیل شود، به بزنینی روی آتش تورم، سوداگری و سفته‌بازی در بازارهای ارز و سکه و مسکن شهری و فروپاشی بخش مولد تبدیل شد. منتظر نظرات مستدل و مستند جناب‌عالی هستم .

با سپاس مهدی رحمانیان

<b>● سودوکو سخت ۳۴۵۸</b>					
زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه					
<b>قانون‌های حل جدول سودوکو:</b>					
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.					
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.					

<b>● سودوکو ساده ۳۴۵۸</b>					
زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه					
<b>سودوکو</b>					
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.					

<b>● حل جدول سخت ۳۴۵۷</b>					
زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه					
<b>قانون‌های حل جدول سودوکو:</b>					
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.					
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.					

<b>● حل جدول ۴۴۶۱</b>					
زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه					
<b>سودوکو</b>					
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.					

شود ۱۳- پارچه مشک- غذای مشهور کرمان- مهرهای

در شش‌طرنج ۱۴- کشوری کوچک در قاره آمریکای مرکزی- پیمان‌نامه ۱۵- تخریب‌کننده اموال عمومی- گوشت

خردشده و تفت داده‌شده- گوشه‌ای در دستگاه همایون